

«آنگاه که معلم شدم»

مؤلف :

جمشید نعلانی

چویل ۱۳۹۵



سرشناسه	: نعمتی، جمشید، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: آنگاه که معلم شدم/ مولف جمشید نعمتی.
مشخصات نشر	: یاسوج: چویل، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ ص.: مصور.
شابک	: 978-600-7411-98-8
وضع استنادی	: فیبا
موضوع	: نعمتی، جمشید، ۱۳۱۹ -
موضوع	: معلمان -- ایران -- خاطرات
موضوع	: Teachers -- Iran -- Diaries
رده بندی کنگره	: ۳۷۱/۱۰۰۹۵۵ LB۲۸۲۲/۲ ۱۳۹۵ ۹۶۶الف/
رده بندی دی‌سی	: ۳۷۱/۱۰۰۹۵۵
شماره کتابشناختی ملی	: ۳۳۵۰۸۹۶



آنگاه که معلم شدم

مؤلف	: جمشید نعمتی
ناشر	: چویل
صفحه‌آرا	: انار و همند
تیراژ	: ۱۰۰۰
نوبت چاپ	: ۱۲۱۵
تعداد صفحات	: ۹۴ صفحه
قطع	: وزیری
قیمت	: ۷۰۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۱-۹۸-۸
چاپ و صحافی	: دانشوران ایرانیان

آدرس: یاسوج، خیابان ارم، فرعی ۹، پلاک ۱۰
تلفن: ۰۹۱۷۷۴۱۰۵۹۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیامد خاطرات و ماندگاری آن
۹	آنگاه که معلم شدم
۹	مقدمه‌ای در باب تولد و خاطرات با ماندنی زندگیم
۱۰	داستان زندگی من
۱۵	ستارگانی که هرگز غروب نمی‌کنند
۱۷	حال مختصری در نبرد تنگ تامرادی به فرساده‌ی مردی از فرزندان بویراحمد بنام لهراسب
۲۰	بنام ستارگان جاوید یا آنان که سرود عشق نواختند
۲۵	خورشیدی که هرگز غروب نمی‌کند
۲۶	دانشسرای عشایری و زمان افتتاح و شکل‌گیری آن
۳۳	تأثیر وجود معلمان عشایری در عشایر و روستاهای کشور
۴۰	تصمیم ازدواج و دخالت دلسوزانه در آن
۴۲	تنها یک گل زرد
۴۳	جدایی تعلیمات عشایر و استقلال آموزش و پرورش بویراحمد
۴۶	مسئولیت‌های بعد از انقلاب
	بخشی از خاطراتم بصورت متفرقه از دوران محصلی تا زمان معلمی و پس از پیروزی
۴۶	انقلاب اسلامی
۴۷	فلسفه خون‌بسی در عشایر و روستای بویراحمد در سال‌ها و زمان‌های بسیار دور
۴۸	نحوه عروسی در عشایر و روستاها قبل از انقلاب
۵۰	کنفرانس در بین دانش‌آموزان که خاص مدارس عشایر بود
۵۱	بیماری بعضی از دانش‌آموزان و عیادت من با آنها
	راه‌بندان بوسیله‌ی چند نفر از اهالی در یکی از روزهای تعطیل که برای سرکشی به روستای خود
۵۲	می‌رفتم

۵۳.....	راه بندان دیگر
۵۴.....	دو نوع آفت در زمان گذشته برای درختان و گیاهان در بویراحمد
۵۶.....	مسافرت با یک همکار و فامیل جهت رفتن به شیراز
۵۸.....	انتخابات قبل از انقلاب و مأموریت من در مناطق بیضاء شیراز
۶۲.....	خاطره‌ای از یک غروب برفی و ترغیب صاحبخانه به رفتن ما به روستای خود
۶۴.....	تشکیل دفتر فعالیت‌های اسلامی
۶۵.....	مهرماه ۱۳۸۳ مرگ دو عزیز
۶۶.....	تقدیم به خانواده‌ی محترم عیدی‌پور بمناسبت شهادت جانگزار سیدشجاعت عیدی‌پور
۶۷.....	بنام خداوند هستی بخش که زنده می‌کند و می‌میراند (در سوگ عزیز از دست رفته حاج مختار شاکریان و مرحوم علی حسین سعادت از شاگردان اسبق من)
۶۸.....	در رسای شهداء (تقدیم به برادر عزیزم حاج محمدرحیم دهراب‌پور)
۶۹.....	تقدیم به برادر عزیزم سید حسن حسینی (غم‌نامه‌ی او در سوگ همسر وفادارش)
۶۹.....	داستانی حقیقی از یک دوست و نتیجه مطلوب آن
۷۲.....	تعریفی از یک دوست در آب شامد که نیاز به ایثار داشت
۷۳.....	حیات دنیوی و رسالت انسان
۷۵.....	اثر وجودی انسان و ارزشهای ماندگارش
۷۶.....	انسان چگونه به اختراعات و نوآوریهای بدست آمده نگاه می‌کند
۷۸.....	اشعاری هر چند ابتدایی و مختصر در باب خاطرات تلخ و شیرین زندگی
۷۹.....	آوای لُر
۸۳.....	تصاویر و اسناد

پیامد خاطرات و ماندگاری آن

خاطره بر انسان یعنی مکتوب اتفاقات دوران گذشته فرد از ابتدای تولد تا زمان مرگ و تمام رویداد و اتفاقات و سبب و فراز و چگونه شکل گرفتنی شخصیت انسان و شرایطی که در طول حیات هر فرد به لحاظ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دینی و شغلی و حوادث و مسائل غیرمنتظره و غیرمترقب و شکست‌ها و موفقیت‌های دوران تحصیلی و زمان ازدواج و در نهایت تمام مواردی که برای هر انسان تغییر و تحول محسوب می‌شود، نوشتن خاطرات و مکتوب کردن آن بصورت کتاب هم زمینه‌ساز خرسحالی نویسنده را فراهم می‌نماید و یادگاری ماندگار برای آیندگان و فرزندان استفاده از مطالبی که به عنوان تجربه و نقاط قوت و ضعف سال‌های عمر نویسنده به یادگار می‌ماند و قابل استفاده برای پیشرفت و موفقیت انسان می‌شود. مطالعه و آگاهی از خاطرات یک انسان ممکن است دارای نکاتی ارزنده باشد که در صورت بکار گرفتن نسل جوان باعث پیشرفت و خوش‌حالی مثبت باشد. زیرا عقلای گذشته گفته‌اند تاریخ گذشته چراغ راه آینده است. اگر این شیوه به شیوه نویسی به عنوان یک اصل مستمر در خانواده نهادینه شود و بصورت تاریخ مکتوب از نسلی به نسل دیگر منتقل شود پایه‌گذار یک اصل ماندگار و تاریخی خواهد بود. زیرا آنچه بصورت مکتوب و مستند می‌باشد دیگران یا بدخواهان نمی‌توانند در آن دست ببرند و محتوای آن را لوٹ و تغییر نمایند. البته در زمان‌های دور که کاغذ و ابزار نوشتن نبود رویدادها بصورت خیلی محدود از اجدادمان یعنی تاریخ سینه به سینه قابل انتقال به نسل‌های بعدی بود بدیهی است بقول دانشمند بزرگ ابوریحان بیرونی بدانم و بمیرم بهتر است یا ندانم و بمیرم.

والسلام

از آقای فریدون امیریان (کرد لاغری) که همواره مشوق من بوده تا نوشته‌هایم را برای چاپ آماده نمایم و تسکین و تسکین می‌نمایم.

وی از پیشکسوتان قلم ستار بوده و در ارتباط با فرهنگ بومی و سنتی استان تحقیقات گسترده‌ای را انجام داده که این من باعث حفظ و نگهداری بخش عظیمی از فرهنگ عامه استان گردیده است. چاپ سه کتاب و تهیه و تدوین چند اثر دیگر برای چاپ حاصل تلاش و کوشش این نویسنده و پژوهشگر بومی است.

جمشید نعمتی

یاسوج - مهر ۱۳۸۵